



Imam Hadi's strategies in facing the cultural challenges of Shiites in Iran

Seyed Alaedin SHahrokhi^{1*}

¹ * Corresponding Author, Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran shahrokhi.a@lu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received
September 11, 2023
Accepted
November 22, 2023

Keywords:

Imam Hadi (a.s.), Iran,
cultural flow, followers
of Ahl al-Bayt (a.s.),
..deviant ideas

ABSTRACT

Examining the different aspects of the culture-creating thought currents of Imam Masoom (A.S.) in each period can more fully explain a part of the political and intellectual history of that period. Therefore, it is essential to know the thought, discourse, and intellectual strategies of Imam Hadi (AS) as the leader of Imami Shiites in Iran and other Islamic lands. Cultural strategies are one of the basic components in advancing the goals, because, in this way, the beliefs and appropriate human ways of life can be transferred to the society. The brutal violence and tyranny of the Abbasid caliphate had caused numerous intellectual and cultural challenges in Islamic societies, including Iran. Despite the difficult conditions of his era, Imam Hadi (A.S.) through thought-oriented and culturally effective strategies and by guiding the Shiite thinkers in Iran, especially in Qom, Ahvaz, Ray, and Khorasan, to create a discourse, a software movement, and cultural current.

This research was carried out with a descriptive and analytical approach and its results show these important points that the Imam focused on the software movement by nurturing and guiding talented and efficient intellectual forces and the intellectual development of the society and the intellectual flow of the followers of Ahl al-Bayt (A.S.) preserved and strengthened in Iran and other Islamic lands. He answered people's questions directly or through his students, debated with opponents, and encouraged his companions and students to engage in various cultural activities in the community, including discipleship, clearing people's doubts, writing books, debating and exposing deviant thoughts.



راهبردهای امام هادی(ع) در مواجهه با چالش های فرهنگی شیعیان در ایران

سید علاءالدین شاهرخی*

۱ دانشیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران shahrokhi.a@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت مقاله:

۱۴۰۲/۰۶/۲۰

پذیرش نهایی:

۱۴۰۲/۰۹/۰۱

واژگان کلیدی:

امام هادی(ع)، ایران، جریان سازی فرهنگی، پیروان اهل بیت(ع)، اندیشه های انحرافی.

چکیده

بررسی ابعاد مختلف جریان های اندیشه ای فرهنگ ساز امامان معصوم(ع) در هر دوره زمانی می تواند بخشی از تاریخ سیاسی و فکری آن دوره را کامل تر تبیین نماید؛ از این رو شناخت اندیشه، گفتمان و راهبردهای فکری امام هادی(ع) به عنوان رهبر شیعیان امامی در ایران و سایر سرزمین های اسلامی امری ضروری است. راهبردهای فرهنگی یکی از مولفه های اساسی در پیشبرد اهداف میباشند زیرا از این طریق میتوان باورها و شیوه حیات انسانی مناسب را به جامعه منتقل نمود. خشونت بیرحمانه و استبداد خلافت عباسی موجب چالش های متعدد فکری و فرهنگی جوامع اسلامی از جمله ایران شده بود؛ امام هادی(ع) با وجود شرایط دشوار عصر خود از طریق راهبردهای اندیشه محور و اثرگذار فرهنگی و با هدایت متفکران شیعه در ایران به خصوص در قم، اهواز، ری و خراسان به گفتمان سازی، جنبش نرم افزاری و ایجاد جریان جریان سازی فرهنگی پرداخت. این پژوهش با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام پذیرفت و نتایج آن بیانگر این نکات مهم است که امام تمرکز خود را بر جنبش نرم افزاری با پرورش و هدایت نیروهای فکری مستعد و کارآمد و رشد فکری جامعه قرار داد و جریان فکری پیروان اهل بیت(ع) در ایران و سایر سرزمین های اسلامی را حفظ و تقویت نمود؛ به سوالات مردم مستقیماً یا از طریق شاگردانش پاسخ داد، با مخالفان مناظره نمود و اصحاب و شاگردانش را تشویق به انواع فعالیت فرهنگی در میان جامعه از جمله شاگردپروری، رفع ابهامات مردم، تالیف کتاب، مناظره و افشای افکار انحرافی نمود.

۱- مقدمه

امامان معصوم (ع) از دیدگاه شیعیان امامیه استمرار هدایت پس از نبوت و رهبرانی هدایت گر برای همه نسل ها علاوه بر مردم عصر خود هستند؛ لذا مطالعه و بررسی گفتمان این امامان که هر یک در دوره های سیاسی - اجتماعی خاصی می زیستند امری ضروری بوده و می تواند یافته های ارزشمندی برای همگان دربر داشته باشد.

در راستای دستیابی به آگاهی بیشتر در مورد امامان معصوم (ع) ضرورت دارد گفتمان آنان از طریق شناخت زمینه های خلق گفتمان و فهم عناصر اصلی آن مورد توجه و بررسی قرار گیرد؛ آگاهی یافتن از بسترهای خلق گفتمان در دوران هر یک از امامان بستگی به چگونگی قدرت دستگاه خلافت در دوره هر امام معصوم (ع) دارد. در واقع آنان به منظور انجام مسئولیت خود نقشه راهی با توجه به شرایط ایجاد شده توسط حاکمیت ترسیم می کردند؛ براین اساس می توان تاحدودی برخی تفاوت ها در گفتمان های آنان را دریافت زیرا هر یک با بهره گیری از تدبیر، شناخت و سیاست لازم و بر پایه وضعیت و شرایط خاص عصر خود، گفتمان مناسب و کارآمدی را ایجاد نمودند. با توجه به محورهای اساسی در هر عصر که برمدار گفتمان های فرهنگی و اعتقادی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است شرط لازم برای هر پژوهش مفید تلاش برای کشف عناصر اساسی حاکم بر هر گفتمان است.

این مقاله با رویکرد توصیفی - تحلیلی محورهای اساسی و ابعاد راهبردهای امام را در هدایت شیعیان امامی و حفظ اعتقادات ناب اسلامی آنان و طرد اقسام افکار انحرافی در اشکال جریان غلو، صوفی گری، فتنه خلق قرآن و سایر موارد بیان می کند.

۲- دوران امامت امام هادی (ع)

امام علی بن محمد الهادی (ع) در پانزدهم ذی حجه سال ۲۱۴ ق در مدینه به دنیا آمد و در ماه رجب سال ۲۵۴ ق در سامرا به شهادت رسید؛ ایشان به مدت ۳۳ سال امامت را بر عهده داشت (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۹۷) و در طول دوران امامت ۱۳ سال در مدینه و ۲۰ سال نیز در سامرا اقامت نمود (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ ق، ج ۴: ۴۰۷). در زهد، عبادت، مکارم اخلاقی، علم، دانش، سخاوت، کمک به ایتم و محرومان اسوه بود؛ عظمت شخصیت ایشان به گونه ای بود که با وجود سن کم، کسی مدعی امامت آن حضرت نگردد و بزرگان شیعه بدون اختلاف امامت وی را پذیرفتند (مفید، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۲۸۸).

اقامت اجباری طولانی مدت امام در سامرا بیانگر واهمه و نگرانی دستگاه خلافت عباسی از حضور و فعالیت های ایشان در مدینه است؛ امام در دوران امامت خود با دوران زمامداری شش تن از خلفای عباسی به نام های معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین و معتز هم زمان بود (مسعودی، بی تا: ۹۳/۴).

از چالش های مهم فراروی امام این بود که گسست الگوی خلافت اموی با خلفای راشدین و حکومت نبوی در خلافت عباسی ادامه یافت و نهادینه شد؛ حتی برخی از متفکران اسلامی در ضمن نگارش متونی موسوم به احکام السلطانیه و متون فقه سیاسی به سامان دادن به اندیشه خلافت پرداختند؛ آن ها در ظاهر خلافت اسلامی را جانشینی پیامبر (ص) در حفظ دین و سیاست در دنیا تعریف می کردند (ماوردی، ۱۴۰۶ ق: ۵). تلاش این اندیشمندان در واقع بیان و تفسیر الگوی قرآنی و اسلامی حکومت نبود بلکه عملاً طرح نظریاتی مشروعیت بخش از دستگاه قدرت حاکمه بود (۱)؛ اما در واقع الگوی حکومتی خلافت عباسی بیشتر تحت تاثیر حکومت های استبدادی بین النهرینی و شرقی و تاحدودی سنت های عربی بود.

از این رو امام هادی (ع) مانند پدر و اجداد خود با هیات حاکمه ای مواجه بود که از جانب اکثریت عالمان، فقها و عامه مردم به عنوان جانشین رسول خدا (ص) پذیرفته شده بود؛ شاخصه های حاکم بر این دوره از خلافت عباسی عبارت بود از: سرگرمی خلفا به عیش و

نوش، توجه نداشتن به وضعیت عامه مردم، سرکوب اعتراض‌ها و انتقادهای علنی شدن فساد و بی‌بندوباری، ورود آرا و افکار گوناگون به سرزمین اسلامی و در مقابل، برپایی قیام‌های متعدد مردمی (رفیعی، ۱۳۷۳: ۳۱-۴۵).

در این شرایط، افکار و ایده‌های انحرافی در میان مسلمانان اوج گرفت؛ شورش‌های سیاسی و قیام‌های دینی بر علیه خلفای عباسی در کنار رقابت‌ها و اختلاف‌های فکری و دینی و ترجمه کتب و اندیشه‌های سایر ملت‌ها به زبان عربی و گسترش این ایده‌ها در پوشش باورهای اسلامی در میان مسلمانان.

۳- شاخصه‌های اصلی گفتمان خلفای عباسی با امام هادی (ع) و بازخورد آن بر رابطه امام با شیعیان

آگاهی از گفتمان حاکم بر هر دوره زمانی اقتضا می‌کند که زمینه‌های خلق آن گفتمان کشف و شناسایی شوند زیرا کشف لایه‌های آشکار و پنهان یک گفتمان، نیازمند آگاهی و دریافت لازم از زمینه‌های ایجاد و شکل‌گیری آن گفتمان است؛ از این‌رو برای شناخت عوامل مؤثر در تحلیل گفتمان امام هادی (ع) ضرورت دارد از شرایط قدرت و حاکمیت خلافت اسلامی در زمان ایشان آگاهی لازم کسب شود زیرا قدرت، یکی از عناصر اصلی و مؤثر در تولد گفتمان‌ها می‌باشد (Foucault, 1972: 117). قدرت نه تنها در عرصه خلق گفتمان، بلکه در شیوه‌های طرح آن، نحوه گسترش آن، و بالاخره تأثیرگذاری آن به شدت اهمیت دارد و نماد آن در حاکمیت حاکمان، شاهان و در سرزمین‌های اسلامی خلفا بوده است. به نظر ماکس وبر، قدرت مجال یک فرد یا تعدادی از افراد است برای اعمال اراده خود حتی در برابر مقاومت عناصر دیگری که در صحنه عمل شرکت دارند (وبر، ۱۳۷۴: ۲۳۲)؛ بر پایه این تفسیر، از نظر وبر، قدرت با سلطه پیوند برقرار می‌نماید چرا که قدرت بر دو رکن عمده یعنی تحمیل اراده و مقاومت شخص دیگر استوار است؛ در نزد او سلطه خود نمونه بارزی از قدرت است.

امام هادی (ع) در ابتدای امامت خود به مدت هفت سال با خلافت معتصم عباسی معاصر بود؛ وی نه تنها کاملاً آن حضرت را تحت مراقبت شدید قرار داده بود بلکه با سخت‌گیری و خشونت شیعیان ایشان را نیز کنترل می‌نمود. پس از مرگ معتصم به سال ۲۲۷ق خلافت به فرزندش واثق رسید؛ او در سال ۲۳۲ق به تحریک دو تن از سرداران ترک کشته شد. آنان برادرش جعفر را با نام متوکل به خلافت رساندند (طبری، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۳۴۱). متوکل در طول ۱۵ سال خلافتش هیچ مرزی در جنایت و کشتار بویژه بر علیه امام و شیعیان قائل نبود؛ او در این راستا سب و لعن علی (ع) را دوباره برقرار نمود، زیارت عتبات را ممنوع کرد و در سال ۲۳۵ق دستور داد تا مقبره امام حسین (ع) را تخریب کنند (اصفهانی، ۱۴۰۸ق: ۴۷۸).

امام با تعیین وکلای خود در نقاط مختلف، ضمن پاسخگویی به پرسش‌های شیعیان با دریافت وجوهات، آنرا در مصارف شرعی هزینه نمود؛ در اندک زمانی با وجود مخالفت‌های جدی دستگاه خلافت، نفوذ معنوی آن حضرت تا بدانجا رسید که متصدی امر نماز در مکه و مدینه در نامه‌ای به متوکل خلیفه عباسی چنین نوشت: "اگر به حرمین (مکه و مدینه) نیاز داری، علی‌بن محمد را از این دو شهر بیرون ببر، زیرا او مردم را به سوی خود خوانده و عده بسیاری دعوتش را پذیرفته‌اند" (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰: ۲۰۹).

خلیفه عباسی با واهمه از فعالیت‌های امام، شخصی به نام یحیی بن هرثمه را مأمور نمود تا ایشان را از مدینه به سامرا منتقل نماید. با حضور یحیی در مدینه برای انجام مأموریت، مردم این شهر به مخالفت با این فرمان برخاستند اما وی سوگند خورد که مأموریتی برای آسیب رساندن به آن حضرت ندارد؛ با این حال در اقدامی ناپسند، منزل امام را تفتیش نمود اما چیزی جز قرآن و ادعیه نیافت (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۲). حضور امام در سامرا با وجود محدودیت‌های بسیار علیه ایشان، نتوانست مانعی جدی در برابر فعالیت‌ها و اقداماتشان ایجاد نماید.

در دوران این خلیفه بسیاری از شیعیان در زندانهای مخوف حکومت شکنجه و گرفتار شدند و تعدادی از آنان به قتل رسیدند؛ سرانجام متوکل در سال ۲۴۷ق به دستور پسرش منتصر و به دست ترکان کشته شد (طبری، ۱۴۰۹ق: ۷/ ۳۹۷). خلیفه منتصر نیز خلافتی مستعجل داشت و پس از شش ماه مستعین نواده معتصم جانشین او گردید؛ در این مدت فساد و تباهی چنان دستگاه خلافت را فرا گرفته بود که ظلم، جنایت، بی‌نظمی، آشوب، فقر، ستم، غارت، فساد، فروش مناصب دولتی و مجالس طرب عمومیت یافته، نغمه خوانی و شراب در دربار رونق کامل یافت و کنیزان برای رقص و آواز خرید و فروش می‌شدند؛ گفته می‌شود متوکل چهار هزار کنیز داشت (مسعودی، بی‌تا، ج ۴: ۱۲۲). با اراده سرداران ترک مستعین برکنار و به جای او در سال ۵۲۵ق معتز خلیفه شد، وی نیز بر سرکشاکی قدرت میان سرداران ترک در سال ۲۵۵ق جای خود را به محمد مهتدی پسر واثق داد (یعقوبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۵۰۵).

۴- وضعیت شیعیان و پیروان امام هادی (ع) در ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی

هر چند از آغاز فتوحات اسلامی در ایران افرادی از علاقمندان اهل بیت (ع) از قبیل سلمان فارسی و دیگران به ایران وارد شدند اما به صورت گروهی برای نخستین بار در اواخر قرن نخست هجری با مهاجرت خاندان شیعه اشعری به شهر قم آغاز گردید. شهر قم با ورود اشعریان به ایران برای قرن‌ها مرکز اصلی فعالیت‌های شیعیان امامی شد، با گسترش مزارع و املاک اشعریان در شهرها و نواحی اطراف قم نفوذ اشعریان شیعه در مناطق دیگری همچون قزوین، کاشان، آبه، تفرش، فراهان، ساوه و حتی مناطقی در اطراف همدان نیز گسترش یافت (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۷۸۲ و ۷۳۷). ابن فندق از شمار زیادی از سادات خبر داده که به طور معمول شیعه و در ناحیه بیهق ساکن بوده‌اند (ابن فندق، ۱۳۶۱: ۶۵-۵۴)، حتی در گزارشی نادر، اصطخری می‌گوید: «بلوچ هم شیعت باشند» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۴۳).

در واقع شهر قم، قدیمی‌ترین و استوارترین پایگاه تشیع امامی در ایران بود؛ برخی از مورخان و جغراف‌دانان به این موضوع تصریح کرده‌اند از جمله نویسنده حدودالعالم، قم را شهری بزرگ و ویران می‌داند که مردمانی شیعی دارد (حدود العالم، ۱۳۷۲: ۳۹۲)؛ اصطخری نیز می‌نویسد: «و مردم قم همه مذهب شیعت دارند و اصل ایشان بیش‌تر از عرب است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۶۶)؛ ابن حوقل نیز همه مردم قم را بی‌استثنا شیعه می‌داند که اغلب آنان عربند و زبانشان فارسی است. (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۱۳).

با وجود گستردگی حضور شیعیان در ایران و دیگر مناطق، خلفای عباسی از ارتباط آزادانه امام هادی (ع) با شیعیانش جلوگیری نمودند حتی با انتقال اجباری و تبعید گونه امام از مدینه به سامرا پایتخت عباسیان به دستور متوکل موجب شد که ایشان در محاصره قرار گیرد (مفید، بی‌تا: ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۲۱۳)؛ در نتیجه رابطه میان ایشان و پیروانش محدودتر شد، به گونه‌ای که حتی ارتباط با امام با خطر همراه بود (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۵۳۳). شیعیان و پیروان امام تحت تعقیب و آزار قرار گرفتند، اموالشان مصادره شد و از موقعیت و مقام‌های حکومتی اخراج شدند (اربلی، ۱۴۱۰ق: ۳/ ۲۱۲). تعدادی از وکلای امام در مدائن، کوفه، بغداد و سواد به زندان منتقل شدند و عده‌ای در زیر شکنجه به قتل رسیدند (کشی، ۱۴۱۸ق: ۶۰۶، ح ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰).

باتوجه به این محدودیت‌ها هنگامی که محمد بن داود قمی و محمد طلحی، مقدار زیادی خمس و نذورات و هدایا از شهر قم برای امام هادی (ع) می‌بردند؛ نزدیک شهر سامرا، امام با فرستادن نماینده خود آنها را برگرداند تا از جانب متوکل عباسی آسیبی به آنها نرسد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۱۸۵).

از آن جایی که در قرن سوم فرق مختلف شیعی چون: زیدیه، امامیه، اسماعیلیه و غیره شکل گرفته بودند و در نتیجه نوعی جدایی بین شیعیان پدید آمده بود، شیعیان ایران نیز به تبع همان جدایی‌ها، تا حدود زیادی در تبعیت از فرقه‌های یاد شده به سر می‌بردند؛ در

حالی که در منطقه طبرستان، بیش‌تر شیعیان زیدی حضور داشته‌اند. تشیع اسماعیلی نیز به شکلی محدود در خراسان و ماوراءالنهر رواج داشت.

۵- اوضاع فرهنگی و اعتقادی ایران هم‌زمان با امام هادی (ع)

از اوایل قرن دوم به بعد، سرزمین‌های شرقی خلافت بستر مناسبی برای گروه‌های فعال سیاسی و فرهنگی مختلف با اهداف و آرمان‌های ناهمگون بود. مهاجرت‌های اختیاری و یا اجباری، دور بودن این منطقه از مرکز خلافت، بسترهای مناسب برای کسب حمایت مردمی و برخی عوامل دیگر موجب گردید تا ایران به یکی از مراکز مهم گروه‌های مختلف مدعی اسلام که مخالف خلافت بودند تبدیل شود؛ هم‌چنین گروه‌های ملی مخالف خلافت از زمان قتل ابومسلم به بعد (۲) در کنار فعالیت خوارج در سیستان و علویان در برخی مناطق مرکزی و شمال ایران برای خلافت عباسی مشکلات بسیاری ایجاد نمود.

فرقه‌های فعال در صحنه مبارزه با خلافت برای جلب افشار بیشتری از توده‌های محروم علاوه بر افکار بدعت‌آمیز در برخی موضوعات افراطی بودند؛ اکثر مردم از اعتقادات واقعی این قبیل رهبران بی‌اطلاع بودند چنان‌که بنابر گفته ابن اثیر تنها حلقه محدودی از هواداران مقنع از عقاید واقعی او اطلاع داشتند (ابن اثیر، ۱۴۲۷ق، ج ۴: ۲۱ به بعد). مورخان مسلمان عموماً اعتقادات این نهضت‌ها را مطابق با اسلام ندانسته و آنان را کافر قلمداد می‌کنند. امام هادی (ع) نسبت به اوضاع فرهنگی ایران اهتمام خاصی داشت و هر چند نتوانست هم‌چون جدش امام رضا (ع) به این سرزمین بیاید اما مجموعه فعالیت‌هایی طراحی نمود که علاوه بر عصر خودش در دراز مدت نیز نتایج مهم و تاثیرگذاری به دنبال داشت.

۶- ابعاد راهبردها و برنامه‌های فرهنگی امام هادی (ع) در ایران

در حالی‌که دستگاه خلافت بر محور استبداد و سرکوب هرگونه صدای مخالفت به خصوص از جانب خاندان پیامبر (ص) و هواخواهان‌شان بود ولی امام هم‌چون پدر و اجدادش به خوبی از ناکارآمدی قیام مسلحانه آگاهی داشت (۳) لذا محور اقدامات خود را حول فعالیت‌های فکری، فرهنگی و تربیت کادرهای لازم برای پیشبرد این اقدامات در برنامه‌های کوتاه مدت و طولانی مدت خود قرار داد.

۶-۱- فرهنگ‌سازی اولویت اصلاح فکر و اندیشه بر قیام مسلحانه

گفتمان خشونت‌محور و بی‌رحمانه خلفای عباسی موجب شد تا افشاری از مردم ایران به خصوص جوانان که بیشتر تابع احساسات بودند به مواجهه مسلحانه با خلافت برخیزند؛ با این وجود چالش‌های فکری جدی در درون جوامع اسلامی در ایران و دیگر سرزمین‌ها وجود داشت که از فرایندهای غامض و پیچیده برخوردار بودند و تلاش برای رفعشان نیازمند فکر و اندیشه کارآمد و آگاهی مردم بود تا مبارزه مسلحانه.

این اختلافات و حوادث حتی در مواردی که جنبه سیاسی داشتند تا حدود زیادی در قالب مباحث و مجادلات کلامی و مذهبی در میان مسلمانان مطرح می‌شدند. این برداشت‌های متفاوت از دین زمینه‌ساز اصلی و پشتوانه تاریخی شکل‌گیری فرق اسلامی و اندیشه‌های متمایز کلامی و حتی برخی از تفاوت دیدگاه در تعالیم فقهی شدند (البهی، ۱۹۷۲م: ۳۲). اختلاف سطح آگاهی و برداشت از قرآن و سنت و در مواردی تفاوت نگاه به اسلام خاستگاه مهم اختلافات با بهانه‌های مذهبی بود، البته گاه ریشه و بن‌مایه اختلاف‌های فکری و مرکز شروع آن عملاً به تنازعات سیاسی و قبیله‌ای برمی‌گشت (شهرستانی، ۱۳۶۳: ۲۹-۳۵)؛ از این رو تعدادی

حتی فرقه‌گرایی خوارج را نیز شورشی سیاسی و قبیله‌ای و با بهانه‌جویی مذهبی تفسیر کرده و از مرجئه، خوارج و حتی شیعه به عنوان فرق سیاسی یاد کرده‌اند (ابوزهره، ۱۹۹۶م: ۶۰).

۲-۶- ارتباط امام با شیعیان و مراکز علمی شیعه ایران و پرورش استعداد های فرهنگ ساز از طریق نهاد وکالت

تشیع دوازده امامی در ایران هم‌زمان با دوران امامت امام هادی (ع) با وجود اینکه در اقلیت بود اما گسترش قابل توجهی یافته بود؛ به خصوص در برخی مناطق و شهرها با ارشادات امامان و همت عالی برخی عالمان، مراکز علمی و مدارس شیعه فعال بودند. که در ادامه به ابعادی از این فعالیت‌ها اشاره خواهد شد.

یکی از راهبردهای امام در ارتباط با شیعیان ایرانی، سوق دادن آنان به اشخاص بادنش و مورد اعتماد خود بود؛ ایشان با دشواری و تلاش خستگی‌ناپذیر توانست شاگردانی را تربیت نماید که وظیفه سنگین انتشار آگاهی و دانش صحیح اسلامی را محقق نمایند؛ برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را نیز بر عهده داشتند و گاه حضور امامان می‌رسیدند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۶۴ و ۶۵).

امام هادی (ع) برای ایجاد حلقه ارتباطی بین خود و مردم به توسعه و گسترش نهاد وکالت پرداخت؛ این اقدامات ایشان در تکمیل تلاش‌های دیگر امامان موجب شد شاکله و بدنه شیعیان که در مناطق مختلفی مثل کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آبه، مدائن، خراسان، آذربایجان، بصره، جرجان و سامراء پراکنده بودند از درون حفظ شده و ضمن پرورش استعداد های موجود، آن‌ها برای ورود به دوران غیبت آماده شوند. نظام وکالت در این زمان در نقاط مختلف از جمله حجاز، عراق، ایران و مصر پراکنده بود (کلینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۵۱۳). عالمان شیعه در ایران تحت رهنمود های امام به خصوص در برخی شهرهای صاحب مکتب‌های شیعه امامی در این دوره توانستند به جمع‌آوری احادیث خود در شکل اصول و جوامع پردازند و شاگردانی را برای دفاع از کیان اعتقادی و فقهی خود تربیت کنند که ذیلاً به برخی موارد برجسته آن اشاره می‌شود.

۱-۲-۶- مکتب شیعه امامی قم

قم مرکز عمده حدیث امامی در قرن سوم بود؛ در این شهر احادیث امامان که ابتدا در کوفه روایت می‌شد و بعداً در جاهای دیگر، مورد تهذیب قرار گرفته و گردآوری می‌شد. در یکی از مشهورترین این کتابها، یعنی کتاب الکافی کلینی، بیش از هشتاد درصد از احادیث توسط راویان قمی روایت شده است. اگر احادیثی که وی از عالمان همشهری خود-که ارتباط تنگاتنگی با راویان قمی داشته‌اند- نقل کرده، به آنان ضمیمه کنیم، تناسب مذکور به نود درصد می‌رسد. ابن بابویه صدوق که خود از چهره‌های مبرز مکتب حدیثی قم به شمار می‌آید تقریباً تمامی احادیث «کتاب من لا یحضره الفقیه» او از طریق محدثان همشهری‌اش روایت شده است.

از دیدگاه برخی محققان نقش این شهر در رشد شیعه امامی، هم به لحاظ پناهگاه اصلی دانشمندان محدث امامی بودن و هم به دلیل پی‌روی بی‌شائبه از امامان تا بدان حد مؤثر بوده است که شاید بدون چنین کمکی، شیعه اثنا عشری هرگز نمی‌توانست شکل و قالب تشیع داشته باشد (مادلونگ، ۱۳۷۲: ۱۴۹-۱۶۱). تلاش‌های عالمان و محدثان قم در سایر مناطق در حوزه جغرافیایی ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی گسترده بود؛ مناطقی شامل حجاز، عراق، ری، قزوین، اصفهان، اهواز، شیراز، نهاوند، کرمانشاهان، زنجان، سیستان، طبرستان، تفلیس، خراسان (مشهد، نیشابور، هرات، مرو، بلخ و ایلاق) و آسیای مرکزی، شام و مصر (جبّاری، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹-۱۴۷). علاوه بر این، مهاجرت‌های سادات و طالبان قم به دیگر نقاط را نیز نباید نادیده گرفت. کاشان، ری، طبرستان، فارس، نیشابور، طوس، بغداد و بصره از این مناطق بودند (اشعری قمی، ۱۳۸۵: ۵۵۰، ۵۵۱، ۶۱۲، ۵۹۳، ۶۰۷، ۶۳۵ و ۵۴۳).

۲-۲-۶- مرکز علمی شیعه امامی اهواز

نفوذ تشیع در اهواز را به سبب ارتباط ساکنان آن با اهالی کوفه و مهاجرت قبایل و خاندان‌های شیعه مانند قبیله عبدالقیس و بنی اسد از کوفه به اهواز در قرن اول هجری دانسته است؛ از وکلای امام هادی در این شهر می‌توان به علی بن مهزیار اهوازی (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۵۳) و ابوالحصین بن حصین (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۳۷۹).

حسین بن سعید بن حمدان بن مهران اهوازی و برادرش حسن در نیمه اول قرن سوم در این مرکز علمی بسیار فعالیت نمودند (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۶-۴۸).

بخش مهمی از شکوفایی مرکز علمی اهواز در دوران امام هادی مدیون تلاش‌های علی بن مهزیار است؛ وی از مفسران قرن سوم هجری است و بیش از سی کتاب و رساله در زمینه‌های مختلف معارف اسلامی دارد. او کتاب تفسیر، و نیز کتابی به نام «حروف القرآن» در زمینه قرآن دارد (امین، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۲۶). در اهمیت این مرکز می‌توان به نامه معروف امام درباره جبر و تفویض خطاب به مردم اهواز اشاره نمود (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۷: ۲۵۴-۲۵۵).

۳-۲-۶- مکتب شیعی امامی خراسان

اقشاری از مردم شرق ایران به سبب حضور برخی مهاجران عرب شیعه از همان قرن نخست با مکتب اهل بیت (ع) آشنا شدند؛ حضور کوتاه مدت امام رضا (ع) با اهتمام ویژه ایشان در تشکیل کلاس درس در این روند موثر بود. حضور شیعیان امامی در بیهق (سبزوار) و نیشابور قابل توجه بوده است. از عالمان مشهور این دیار می‌توان به فضل بن شاذان اشاره نمود؛ وی یکی از بزرگ‌ترین فقیهان و متکلمان شیعی است که علاوه بر امام هادی (ع) دوران امامت پدر و فرزند ایشان را نیز درک نمود؛ تالیفات او به حدود ۱۸۰ کتاب می‌رسد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۶).

۴-۲-۶- مکتب شیعی امامی در ری

ری از مناطق مورد توجه مهاجران شیعه امامی عرب از اواخر قرن اول هجری و حضور شیعیان بوده است؛ در میان اصحاب، یاران، وکلا و راویان احادیث امامان (ع) از دوره امام باقر (ع) به بعد نام بسیاری از شیعیان ری دیده می‌شود؛ از جمله، اعین رازی از اصحاب امام باقر (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۱۲۶). در زمان امام هادی (ع) محوریت شیعیان ری با عبدالعظیم حسنی بود؛ چنانکه فردی از شیعیان ری به نام اباحمد رازی در شهر سامرا موفق به دیدار با امام شده و سؤالاتی در مورد حلال و حرام از ایشان پرسید؛ امام پس از پاسخ در هنگام خداحافظی به این شخص فرمود: "ای حماد اگر در امور دینی برایت مشکلی پیش آمد در ری، از عبدالعظیم بن عبدالله حسنی سؤال کن و سلام مرا نیز به او ابلاغ کن" (طوسی، ۱۴۲۶ق: ۲۱۵).

البته حضور عالمان شیعه امامی در برخی مناطق دیگر از قبیل همدان، بلخ، کاشان، قزوین، گرگان و غیره هم قابل توجه بوده است.

۳-۶- ایجاد جنبش نرم‌افزاری و ترغیب اصحاب در ایران برای تولید اندیشه از طریق تالیفات

مبلغان در قرون نخستین بیشتر از روش جاذبه‌گفتاری و فن بیان استفاده می‌کردند، این رویکرد در کنار برخی نکات مثبت، اشکالاتی هم داشت لذا امام برخی از شاگردان خود از جمله ایرانی‌ها را به نگارش و تالیف تشویق نمود؛ در این راستا با هدایت ایشان کتاب‌هایی ارزشمند و بعضاً ماندگار توسط برخی از اصحابشان نگارش یافت.

شیخ طوسی اسامی ۱۸۵ نفر از یاران و شاگردان امام را با عنوان اصحاب ابی‌الحسن الثالث علی بن محمد (ع) آورده است (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۷-۴۰۹). این شاگردان امام که عمدتاً در مراکز علمی شیعیان فعالیت می‌کردند البته خود عالمانی پرتلاش در عرصه

فرهنگ آفرینی بودند، کتاب های بسیاری تألیف نمودند که به چند مورد از آن ها در ادامه اشاره می شود. علی بن مهزیار اهوازی در حدود ۳۳ کتاب تألیف نمود (عطاردی، ۱۴۱۰ق: ۳۵۱)؛ هم چنین حسین بن سعید اهوازی حدود ۳۰ کتاب نوشت (پیشین، ۳۳۲). تعداد تالیفات فضل بن شاذان نیشابوری ۱۸۰ تألیف بوده است، ضمن این که از وی در کتب اربعه ۷۷۵ روایت نقل شده است و برخی دیگر تعداد روایاتش را بیش از ۷۷۷ روایت دانسته اند (سبحانی، ۱۴۱۸ق: ۳/ ۴۳۰-۴۳۱). ابو مقاتل دیلمی که از اصحاب امام بود کتابی روایی و کلامی درباره مسأله امامت تألیف کرد (عطاردی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۷).

احمد بن محمد بن خالد برقی متولد قریه برقه رود از نواحی قم نیز کتاب های متعددی را تألیف نمود از جمله کتاب دائرة المعارف گونه المحاسن که احادیث امامان در همه زمینه های مختلف معارف دینی از قبیل تفسیر، اخلاق و غیره را شامل می شد. قابل ذکر است که این شاگردان اهل علم و دانشمند امام هادی (ع) در ایران خود دارای شاگردان بسیاری بودند و توانستند در جریان سازی فرهنگی امام هادی (ع) نقش فعالی ایفا نمایند.

۴-۶- امام و مواجهه فرهنگی با جریان های فرقه گرا در ایران

انشعاب و شکل گیری فرقه های مختلف در اسلام هم چون ادیان دیگر مسئله ای غیر قابل انکار است (۴)؛ ابن حزم با ذکر مواردی از باورهای خاص در برخی فرقه ها معتقد است: فرقه ها هر کدام دارای ویژگی هایی هستند که بدان شناخته می شوند... که ملاک و ضابطه خروج و یا انتساب به هریک از این فرقه ها همان ردّ و قبول این شاخصه های متمایزکننده است (ابن حزم، ۱۴۱۶ق: ۲/ ۲۶۹-۲۷۰). ظهور فرقه در جامعه موجب تشتت و افتراق است زیرا یا از نظر تعداد در اقلیت هستند اما در نوع نگرش های فرقه ای خود سخت گیر و خشن می شوند، یا اصل را عملاً کنار می گذارند ولی همچنان به آن عقیده وفادار می مانند و بدینسان، یا به صورت يك هیأت دینی در می آیند یا به گروه های کوچک تري تجزیه می شوند (واخ، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

به علل مختلفی از جمله تقیه امامان معصوم (ع) در اعلام رسمی و عمومی جانشین خود و ستم خلفای عباسی بر آنان فرقه های متعددی در میان شیعیان امامی بوجود آمد که این روند بیشتر در عراق بود؛ در ایران این قضیه ظهور کمتری داشت. مهم ترین علت وفاداری شیعیان امامی ایران به امامت دوازده امام، جریان و مکتب امامیه در قم بود در نتیجه هیچ گونه انشقاق فطحی، یا واقفی در میان تعداد بی شمار محدثان امامی این شهر یاد نشده است.

۱-۴-۶- روشنگری در مورد جریان غلو

با وجود تأثیر پذیری فرقه های مختلف اسلامی از جریان غلو، معمولاً هر گاه واژه غلات در علم فرقه شناسی و در کتب ملل و نحل بدون قرینه به کار رود منظور از آن افراد یا فرقه هایی هستند که به خدایی امامان شیعه یا حلول روح خدایی در آن اعتقاد داشته اند (مشکور، ۱۳۷۹: ۱۵۱). برخی از علمای شیعه، علاوه بر نسبت الوهیت به پیامبر و ائمه، اعتقاد به قدرت و شرکت آنان در خلق و رزق و علم غیب الهی را از مصادیق غلو شناخته اند (ابن میثم، ۱۴۲۷ق: ۴/ ۳۶۰).

امام هادی (ع) با آگاهی از فعالیت غالبان با صراحت و قاطعیت نه تنها آنان را از گروه شیعه بیرون دانست بلکه در پاسخ نامه های مختلفی که درباره این افراد از ایشان پرسش شد، غالبان را افرادی مشرک و کافر معرفی نمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکارا اعلام نمود (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۵۱۹). پیدایش غلو (۵) و جریانات متأثر از آن، یکی از زیان بارترین جریان های انحرافی در میان شیعه بوده است در حالیکه آنان شیعه واقعی نبوده و حتی مطرود ائمه (ع) بوده اند. آغاز جریان غالی از کوفه و حضور چشم گیر

ایرانیان شیعه در این شهر (فیاض، ۱۴۰۶ق: ۶۳ و ۸۸)، موجب گردید که حتی برخی صاحب‌نظران، غلو را به آنان نسبت دهند (ولهوزن، ۱۳۷۵: ۳۹).

در ایران و خصوصاً شهر قم وضعیت به ضرر جریان غلو بود؛ زیرا قمی‌ها اندیشه ناب شیعی داشته و کوچکترین غلوئی را تحمل نمی‌کردند؛ از این‌رو گاهی اشخاصی را که حتی از غلات نبوده و از مفوضه به شمار آمده و یا روایات نقل شده توسط راویان غالی را روایت می‌کردند را تحمل نکرده و از این شهر بیرون می‌کردند. برخورد بزرگ و رهبر شیعیان قم (احمد بن محمد بن عیسی) با محدثانی که تمایلات غلو آمیز داشتند قاطعانه بود بنابر این او از حسن بن فرزاد محدث قمی که در اواخر عمر به غلو گرایش پیدا کرد، روایت نکرد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۵-۶۴)؛ او همچنین بر ضد سهل بن علی رازی به عنوان غالی و جعال شهادت داده و او را از قم به زادگاهش در ری تبعید کرد (پیشین: ۱۴۰).

به هر روی مخالفت‌های مکرر امام هادی (ع) و دیگر امامان معصوم (ع) با غالیان در ایران و سایر مناطق موجب شد که آنها رو به زوال گذارده و مهمترین سلاحشان که انتساب و تمسک دروغین به امامان (ع) بود را از دست بدهند.

۲-۴-۶- آشکار نمودن چهره واقعی جریان‌های فریبده از قبیل صوفیگری

از جریان‌های انحرافی که در مدتی طولانی از جمله هم‌زمان با امام هادی (ع) موجب گمراهی اقشاری از مسلمانان به‌خصوص ایرانیان شد صوفیگری بود که گاه به شکلی ریاکارانه در ظاهر با زهد و کناره‌گیری از دنیا نیز ظاهر می‌گردید. در ایران از قرن دوم و سوم هجری تصوف و عرفان شکل گرفت؛ بزرگترین ظهور روح تصوف در این دوره، تحقیر دین، فرار از لذات و ابعاد مختلف مربوط به زندگی مادی و دنیوی و روی آوردن به ریاضت و برخی اعمال غیرعادی می‌باشد؛ به‌همین جهت، صوفیان در برابر امامان (ع) ایستادند و بر بینش و سیره زندگی آنها معترض شدند (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۶۸).

امام هادی (ع)، شیعیان را از نزدیک شدن و هم‌نشینی با آنان و ورود به جلسه‌هایشان به شدت بر حذر داشت با این توصیف که زهدنمایی آنان تن‌پروری و شب‌زنده‌داری آنها جریمه‌ای برای شکار نعمت‌ها است. آن حضرت پس از نکوهش آنان و برشمردن ویژگی‌های مذموم دیگری از آنان، پیروان این گروه را نادان دانسته و کسانی را که به آنها گرایش پیدا می‌کنند احمق معرفی کردند (خوانساری، بی‌تا: ۱۳۵-۱۳۴).

در ایران از جمله در مناطق کوهستانی غرب با توجه به بسترهای موجود و حضور برخی مبلغان صوفی مسلک تعدادی از فرقه‌های صوفی فعال بودند از جمله فرقه اهل حق، که به دلیل اغراق و افراط در مورد حضرت علی به «علی‌اللهی» نیز مشهور شده‌اند. اهل حق معتقدند حضرت علی (ع) سبیل خود را نمی‌تراشیده و از این رو تراشیدن سبیل، از نظر آنها عملی زشت و گناهی کبیره محسوب می‌شود. (شناخت مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹: ۲۲۳). عقاید «اهل حق» یا «علی‌اللهی» آمیخته‌ای از عقاید اسلامی، زرتشت، یهودی، مسیحی، مانوی و هندوی است؛ فرقه اهل حق معتقدند فرقه آنان در قرن دوم هجری پدید آمده و در قرن هفتم تجدید حیات یافته است.

۳-۴-۶- مواجهه علمی با شبهات و انحرافات فکری

طرح گسترده شبهات گوناگون و اوج‌گیری مجادلات فکری بسترهای لازم برای طرح انواع ایده‌ها و حتی شبهات در میان ملل مختلف اسلامی از قبیل ایرانیان فراهم نموده بود و در این شرایط امام هادی (ع) با ورود به عرصه روشنگری ابهامات و اشکالات را از اذهان عمومی برطرف می‌نمود.

از موضوعاتی که در زمان امام موجب جنجال در جامعه گردید، طرح دو دیدگاه در مورد قرآن بود که موجب شده بود جامعه اسلامی به دو دسته تقسیم شده و به جان هم بیافتند؛ عده ای اعتقاد داشتند که قرآن مخلوق خداوند و حادث است و منکر قدیم بودن آن بودند و گروهی دیگر معتقد بودند که قرآن مخلوق نیست و قدیم است. امام، شیعیان را از ورود به این درگیری ها منع نمود و خطاب به برخی از آنان چنین نوشت: "خداوند ما تو را از این فتنه حفظ کند ... به نظر ما، جدال درباره قرآن بدعت است و پرسشگر و پاسخ دهنده در آن شریک اند؛ آفریننده ای جز خدا نیست و به جز او همه مخلوق اند، قرآن نیز کلام خداست؛ از پیش خود نامی بر آن قرار مده که از گمراهان خواهی بود (صدوق، بی تا: ۲۲۴). این تدبیر ایشان موجب شد تا شیعیان وارد این مباحث انحرافی نشده و باورها و اعتقادات خود را استحکام بخشند.

از ایده های دیگری که در میان تعدادی از ایرانیان هم چون برخی دیگر از جامعه اسلامی رواج یافته بود اما در تنافی با افکار ناب اسلامی بود افکار انحرافی اهل جبر و تفویض بود؛ امام در نامه ای خطاب به شیعیان ضمن بیان اعتقادات صحیح در رابطه با این موضوع، فرمود: "معتقدان به جبر کسانی هستند که می پندارند خدای عزوجل بندگان را بر گناه مجبور ساخته و سپس عقوبتشان می کند؛ اینان خداوند را حاکمی ستمکار دانسته و او را تکذیب کرده و سخشن را رد کرده اند... خداوند عادل تر از آن است که بندگان را بر گناه مجبور کند و مقتدر از آن است که کار را به بندگان واگذار کند" (حرانی، بی تا: ۵۳۸).

امام به جای این عرفان دروغین مجموعه ای از علوم و معارف را در قالب ادعیه، روایات و مناجات و زیارت ها از جمله زیارت جامعه (۶) به مردم انتقال دادند که بدون تردید نه تنها در زمان حیات ایشان بلکه در اعصار بعد نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد جریان فرهنگی خاندان پیامبر (ص) در میان ایرانیان و برخی ملل مسلمان دیگر داشت.

هم زمان با دوران امامت امام، از گروه های بسیار فعال در ایران، خرم دینان به رهبری بابک خرم دین بودند؛ در زمینه اعتقادات و اندیشه دینی بابک و خرم دینان منابع هم سخن نیستند و عقایدی مختلفی به آنان نسبت داده اند. حسن بن موسی نوبختی، از متکلمان قرن سوم، در مورد اعتقادات آنها می گوید: گزافه گویی را خرم دینان آغاز کردند که گفتند امامان در عین حالی که خدایند، پیامبر و فرستادگان خدا و فرشتگان نیز می باشند... و روز رستاخیز و بازپسین و شمار را باطل شمردند... (نوبختی، ۱۴۰۰: ۶۱-۶۰). مطهر بن طاهر مقدسی که نیم قرن پس از نوبختی می زیسته، در مورد باورهای خرم دینان می گوید: "... معتقدند که وحی هیچ گاه بریده نمی شود و صاحب دین در نظر ایشان بر حق است... (مقدسی، ۱۳۸۱: ۵۷۶).

۵-۶- استفاده از ظرفیت مجالس مناظره و پاسخگویی به سوالات

امام با توجه به محدودیت شدید در ارتباط آزادانه با مردم ایجاد کرده بود در برخی موارد از طریق نامه به ارشاد و تربیت یاران خود اقدام نمود؛ هم چنین گاه که به مناظره های علمی دعوت شد از این فرصت کمال استفاده را نمود؛ از جمله در مورد یحیی بن اکثم به منظور اشکال تراشی، مسائلی را از امام پرسید و ایشان نیز به تفصیل پاسخ داد (حرانی، بی تا: ۵۷۰-۵۶۳). به همین سبب یحیی بن اکثم به متوکل گفت: "از این پس دوست ندارم از این مرد چیزی پرسیده شود زیرا وقتی دانش وی آشکار گردد، رافضیان تقویت خواهند شد" (ابن شهر آشوب، ۱۴۰۵: ۴۰۵).

۱-۵-۶- استفاده از مکاتبه و ارسال نامه برای تعدادی از شیعیان اهوازی

امام برای پاسخ به سؤالات گروهی از مردم اهواز درباره جبر و تفویض، نامه ای به آنان نوشتند و در آن ابتدا مقدمه ای بیان کرده و سپس پاسخ نهایی سؤالات را بیان نمودند (حرانی، ۱۳۸۵: ۸۲۹-۸۶۵)؛ ایشان در این نامه با تأکید بر قرآن به عنوان سند مورد اعتماد همه

مذاهب اسلامی، پذیرش حدیث ثقلین را به دلیل تأیید آن در قرآن، بر همه واجب دانستند؛ در نامه مذکور در خصوص موضوع جبر و اختیار، روایت نبوی «لَا تَجْتَمِعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ» را طرح نمودند و با نفی برداشت‌های غلط، معنای صحیح آن را از نظر اهل-بیت (ع) بیان نمودند؛ به استناد این روایت، اهل سنت مسئله انتخاب خلیفه اول را صحیح و بر مبنای اجماع امت دانسته و مورد تأیید رسول خدا (ص) معرفی می‌کردند (ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۱ق: ۲۷۹). در توضیح امام (ع) بیان شده بود مطلبی که همه مسلمانان روی آن اجماع دارند و هیچ کس در آن اختلافی ندارد، حق است؛ مانند قرآن که همه مسلمانان روی آن اجماع دارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۴۵۰)؛ در حالی که در انتخاب خلیفه اول اختلافاتی وجود داشت و اجماع واقعی رخ نداد.

۷- تداوم روند جریان‌سازی فرهنگی امام هادی (ع) با وجود خشونت حاکمیت

امام هادی (ع) با وجود موانع بسیار تحقق برنامه‌های فرهنگی مورد نظر خود با جدیت ادامه داد؛ و آن گونه عمل نمود که متوکل در میان نزدیکانش با خشم تمام اعلام کرد که در کار امام در مانده شده و دچار شکست شده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۰۷). متوکل حتی امام را به مجلس خود احضار نمود و تلاش کرد تا ایشان را وادار به خوردن شراب نماید؛ ولی آن حضرت فرمود: "تاکنون گوشت و خونم به شراب آلوده نشده است" (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۳: ۲۷۲)؛ خلیفه ناچار، امام را وادار به خواندن شعر نمود، ایشان علی‌رغم اجبار با اقدامی اثرگذار اشعاری بسیار زیبا خواندند به گونه‌ای که مجلس بزم خلیفه بهم خورد و او و اطرافیانش وادار به گریه شدند (مسعودی، بی‌تا، ج ۴: ۱۱). سرانجام این خلیفه دستور قتل امام را به حاجب خود داد ولی با قتل او به دست پسرش، این نقشه محقق نگردید (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۹۵).

امام هر گونه همکاری با دستگاه خلافت را مگر در موارد زور و اجبار یا همکاری به دلیل راه نفوذی برای اخلاص در کار آنان حرام می‌شمرد (حرعاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲: ۱۳۷)؛ اما با وجود نظارت شدید خلافت در فعالیت‌های فرهنگی خود خللی ایجاد نکرد.

نتیجه‌گیری

رفع مشکلات فرهنگی در هر عصری نیازمند برنامه فرهنگی جامع و اثرگذار است، هم‌زمان با دوران امامت امام هادی (ع) فساد اجتماعی و اقتصادی فراگیر شده و انواع انحرافات فکری و عقیدتی و فرقه‌های گوناگون نیز در ایران و سایر جوامع اسلامی ریشه دوانده بودند. امام با وجود محدودیت‌ها و موانع بسیار از جانب شش خلیفه عباسی که با آنان معاصر بود به فعالیت پرداخت؛ خودداری از مشارکت در قیام‌های مسلحانه بی‌نتیجه و طرح جریان‌سازی فرهنگی کارآمد مهم‌ترین راهبرد ایشان برای حفظ محتوای اصیل اسلام و هدایت مردم بود.

امام با برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد شبکه ارتباطی وکالت بویژه از طریق شاگردان پرتلاش و عالم خویش موفق گردید ضمن ارتباط با بخش‌هایی از جامعه عصر خود در ایران و سایر مناطق مستعد خدمات بسیار ارزنده‌ای به جهان اسلام ارائه نماید. ایشان با تشویق اصحاب و شاگردانش در ایران به تالیف کتاب، پاسخ شفاهی و کتبی به سوالات، حضور در مناظره‌ها، افشای افکار و جریان‌های انحرافی - که ظاهری اسلامی داشتند - جریان فکری و فرهنگی مبتنی بر جنبش نرم‌افزاری تفکر محوری را در جامعه ایجاد نمود که دستاورد آن هدایت اقشاری از جامعه و آشکار شدن مرز افکار صحیح اسلامی از ایده‌های انحرافی بود. مواردی همچون جریان غلو، فتنه خلق قرآن، صوفیگری و موضوع جبر و تفویض از مصادیق بارز این موج‌های انحرافی محسوب می‌شدند که همگی آنها توسط امام به دقت شناسایی و مورد نقد دقیق قرار گرفتند و فتنه‌های آنان یکی پس از دیگری از این طریق بر ملا گردید.

شاخصه های مهم جریان سازی فرهنگی امام عقلانیت، اندیشه، آرامش، خودداری از تنش به ویژه در ارتباط با اهل سنت در کنار انتشار و تاکید بر معنویت در قالب ادعیه، روایات و مناجات و زیارت ها از جمله زیارت جامعه در متن جامعه بود. این جریان عقلانی، اخلاقی و معنوی اصیل نه تنها در زمان حیات ایشان بلکه در اعصار بعد نیز نقش بسیار مهمی در ایجاد و استمرار جریان فرهنگی خاندان پیامبر (ص)، تشیع و مقوله امامت و غیبت امام دوازدهم در میان ایرانیان و برخی ملل مسلمان دیگر داشت.

پی نوشت ها

۱- در راستای توجیه شرعی قدرت مطلق خلافت، ماوردی چنین می نویسد: "واجب است در هر زمان امامی باشد و رهبری امت را به عهده گیرد تا به این وسیله هم اساس دین به قدرت سلطان حراست شود و هم دولت او بر پایه احکام و سنن دین جاری شود (ماوردی، ۱۹۹۵: ۱۱۱).

۲- در مورد اعتقادات گروه های مختلف ایرانی که علیه خلافت عباسی در دهه های نخستین شکل گیری این خلافت قیام نمودند و اکثراً هم مدعی خون خواهی ابو مسلم بودند از قبیل سنباذ، اسحاق ترک، مقنع و غیره دیدگاه های متفاوت و گاه متناقضی وجود دارد (صدیقی، ۱۳۷۵: ۱۷۹ به بعد) معمولاً اعتقادات این گروه ها برای جذب توأمان مسلمانان و زرتشتیان، التقاطی از این دو بود و ایده هایی از قبیل نظریه تجسم خدا و منشاء الهی رهبر را مطرح می کردند.

۳- برخی از علویان در دوران امویان و عباسیان از جمله در زمان امام دست به قیام زده اند؛ از قبیل قیام قاسم بن عبدالله، احمد بن صالح و عبدالله بن موسی؛ اما نتیجه این قیام ها افزایش ستم دستگاه خلافت بر علویان و سرکوب و قتل فعالان آنها بود (اصفهانی: ۱۴۰۸: ق: ۴۸۰).

۴- براساس روایتی از پیامبر (ص) که به گونه های مختلف نقل شده مسلمانان به فرقه هایی تقسیم خواهند شد؛ در مورد این حدیث برخی از حدیث شناسان نظرات مختلفی ابراز کرده اند، از جمله: "حدیث انشعاب امت اسلام به هفتاد و سه فرقه در روایات فراوانی آمده است، به گونه ای که هر کدام مایه استحکام دیگری می شود و در مفاد آن تردیدی باقی نمی ماند" (ابوزهرة، ۱۹۹۶: ۲۳-۲۴)؛ هم چنین گفته شده: داوری درباره صحت و سقم این روایات نیز با توجه به اختلاف مبانی حدیثی و کلامی بسی دشوار است، اما در عرصه مباحث و پژوهش های فرقه شناسی به هیچ یک از آنها همانند حدیث افتراق امت به ۷۳ فرقه استناد نشده است و چه بسا از آن سوء استفاده نکرده اند (آقائوری، ۱۳۸۲: ۶۲).

۵- غلو به معنای افراط، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز می باشد؛ غالی بدین نام خوانده می شود زیرا از اندازه متعارف تجاوز می کند و مثلاً درباره امام می گوید او پیامبر است و یا درباره پیامبر می گوید که او خداست (رازی، ۱۳۹۲: ۳۰۳).

۶- زیارت جامعه با مضامینی بسیار عالی و پرمعنا، ارتباط امام و امت و نیز ارتباط امام با جهان هستی را به شکلی زیبا ترسیم کرده و جایگاه امام معصوم را در مجموعه جهان بازگو نموده است؛ زیارت جامعه از چنان اهمیتی برخوردار است که تعدادی از علما شرح‌هایی بر آن نگاشته‌اند (حیدری آقایی و سایر نویسندگان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۹۵).



منابع

۱. نهج البلاغه امام علي (ع). (۱۳۷۸). ترجمه مصطفی زمانی. تهران: اسوه.
۲. آقانوری، علی. (۱۳۸۲). حدیث افتراق امت: نقل ها و پیامدها. هفت آسمان، ش ۱۸.
۳. ابن جوزي، عبدالرحمان بن علي. (۱۴۱۸ق). تذکره الخواص. قم: منشورات الشریف الرضی.
۴. ابن حزم، علی بن احمد. (۱۴۱۶ق). الفصل فی الملل و الاهواء و النحل. تحقیق محمد ابراهیم نصر و عبد الرحمن عمیره. بیروت: دار جیل.
۵. ابن حوقل. (۱۳۴۵). صورة الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۶. ابن خلکان، شمس الدین احمد بن محمد. (بی تا). وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان. تحقیق احسان عباس. بیروت: دارصادر.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، ابوجعفر محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). مناقب آل ابی طالب. بیروت: دارالاضواء.
۸. ابن فندق، ابوالحسن علی بن زید بیهقی. (۱۳۶۱). تاریخ بیهقی. تهران: کتاب فروشی فروغی.
۹. ابن میثم بحرانی، میثم بن علی. (۱۴۲۷ق). شرح نهج البلاغه. قم: انوار الهدی.
۱۰. ابو زهره، محمد. (۱۹۹۶م). تاریخ المذاهب الاسلامیه. قاهره: دارالفکر العربی.
۱۱. اربلی، ابی الحسن علی بن عیسی. (۱۴۱۰ق). کشف الغمة فی معرفة الائمة. بیروت: دارالکتب الاسلامی.
۱۲. احمدی کچایی، مجید و ترابی میبدی، روح الله. (زمستان ۱۳۹۳). رفتارشناسی امام هادی و امام عسکری (ع) در تقابل با جریان های انحرافی تا دوره غیبت. پژوهش های مهدوی، ش ۱۱. قم.
۱۳. اشعری قمی، حسن بن محمد. (۱۳۸۵). تاریخ قم. ترجمه تاج الدین قمی. تحقیق محمدرضا انصاری قمی. قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
۱۴. اصطخری، ابواسحق ابراهیم. (۱۳۶۸). مسالک و ممالک. باهتمام ایرج افشار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. اصفهانی، ابوالفرج. (۱۴۰۸ق). مقاتل الطالبین. تحقیق سیداحمد صقر. بیروت: منشورات الاعلی للمطبوعات.
۱۶. البهی، محمد. (۱۹۷۲). الجانب الاهی من التفكير الاسلامی. دمشق: دارالفکر.
۱۷. -امین، سیدمحسن. (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعارف.
۱۸. جبّاری، محمدرضا. (۱۳۸۹). مکتب حدیثی قم. قم: زائر.
۱۹. حدود العالم من المشرق الى المغرب. (۱۳۷۲). تهران: دانشگاه الزهرا.
۲۰. حرانی، حسن بن علی. (بی تا). تحف العقول عن آل الرسول (ص). ترجمه احمد جنتی عطایی. تهران: اسلامیه.
۲۱. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۰ق). وسایل الشیعه. تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی. تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۲. حیدری آقایی، محمود و سایر نویسندگان. (۱۳۸۵). تاریخ تشیع. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. خوانساری، محمدباقر. (بی تا). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. به کوشش اسدالله اسماعیلیان. قم: اسماعیلیان.
۲۴. دیوید، فرد. آر. (۱۳۹۴). مدیریت استراتژیک. ترجمه علی پارساییان. تهران: نشر دفتر پژوهش های فرهنگی.

۲۵. رازی، ابوحاتم. (۱۳۹۲ق). کتاب الزینه. تصحیح عبدالله سلوم سامرایی. بغداد: دارالحریمة.
۲۶. رفیعی، علی. (۱۳۷۳). تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. زینلی، بهمن. (مهر ۱۳۹۶). بررسی و تحلیل شیوه مواجهه امام هادی (ع) با چالش‌های دوران امامت. سخن تاریخ، مقاله ۴، دوره ۱۱، ش ۲۶.
۲۸. سبحانی، جعفر. (۱۴۱۸ق). موسوعه طبقات الفقهاء. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۲۹. شناخت مذاهب اسلامی. (۱۳۷۹). واحد تدوین کتب درسی. قم: سازمان حوزه‌های مدارس علمیه خارج از کشور.
۳۰. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۶۳). الملل و النحل. تحقیق محمد بن فتح بدران. قم: شریف رضی.
۳۱. صدوق، محمد بن علی. (۱۴۰۲ق). الامالی. قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۲. ----، ----. (بی‌تا). التوحید. تحقیق هاشم حسینی تهرانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۳. صدیقی، غلامحسین. (۱۳۷۵). جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری. تهران: پاژنگ.
۳۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۰۹ق). تاریخ طبری. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۵. طبرسی، احمد بن علی. (۱۳۷۲). الاحتجاج. تحقیق ابراهیم بهادری. قم: نشر اسوه.
۳۶. طبسی، محمد جواد. (۱۴۲۶ق). حیاة الامام الهادی. قم: دارالهدی.
۳۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال. تحقیق سیدمه‌دی رجایی. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث.
۳۸. عطاردی، عزیزالله. (۱۴۱۰ق). مسند الامام الهادی. قم: المؤتمر العالمی للامام الرضا (ع).
۳۹. فرهنگ جامع سخنان امام حسین (ع). (۱۳۸۶). جمعی از نویسندگان. قم: معروف.
۴۰. فیاض، عبدالله. (۱۴۰۶ق). تاریخ الامامیه و اسلافهم من الشیعه منذ نشأه التشیع حتی مطلع القرن الرابع الهجری. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۴۱. قرشی‌کرین، سیدحسن و پهلوانی، خدیجه. (۱۳۹۶)، اصحاب قمی امام هادی (ع) و نقش آنان در گسترش اندیشه شیعی. تاریخ اسلام. سال هجدهم. ش ۷۱.
۴۲. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۱۸ق). اختیار معرفه الرجال. تعلیق میرداماد استرآبادی. قم: آل‌البیت.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۸ق). الکافی. تهران: اسوه.
۴۴. مادلونگ، ویلفرد (بهمن و اسفند ۱۳۷۲). تشیع امامی و زیدی در ایران. ترجمه رسول جعفریان. مجله کیهان اندیشه. ش ۵۲.
۴۵. ماوردی، ابوالحسن. (۱۴۰۶ق). الاحکام السلطانیة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۴۶. ماوردی، ابوالحسن. (۱۴۱۵ق). ادب الدنيا و الدین. تحقیق یاسین محمد السواس. بیروت: دار ابن‌کثیر.
۴۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. (۱۴۰۹ق). اثبات الوصیه لامام علی بن ابی‌طالب (ع). بیروت: دارالضواء.

۴۹. -----، (بی تا). مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید. بیروت: دارالمعرفه.

۵۰. مشکور، محمدجواد. (۱۳۷۹). تاریخ شیعه و فرقه های اسلام. تهران: اشراقی.

۵۱. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۸). آسیب شناسی دینی. تهران: هماهنگ.

۵۲. مفید، محمدبن محمدبن نعمان. (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. قم: المؤتمر العام للافیه الشیخ المفید.

۵۳. مقدسی، مطهر بن طاهر مقدسی. (۱۳۹۰). آفرینش و تاریخ. ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

۵۴. منتظرالقائم، اصغر؛ پیرمادیان، مصطفی و سلیمانی زهرا. (تابستان ۱۳۹۶). راهبردها و مهندسی فرهنگی امام هادی (ع) در مواجهه با اهل سنت. شیعه پژوهی. دوره ۳. ش ۱۱.

۵۵. نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی. تحقیق سید موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

۵۶. نوبختی، ابومحمد حسن بن موسی. (۱۴۰۰). فرق الشیعه. ترجمه محمدجواد مشکور. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۷. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). قم: مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.

۵۸. واخ، یواخیم. (۱۳۸۰). جامعه شناسی دین. ترجمه جمشید آزادگان. تهران: سمت.

۵۹. وبر، ماکس. (۱۳۷۴). اقتصاد و جامعه. ترجمه عباس منوچهری و غیره. تهران: مولی.

۶۰. ولهوزن، یولیوس. (۱۳۷۵). تاریخ سیاسی صدر اسلام شیعه و خوارج. تهران: دفتر نشر معارف اسلامی.

۶۱. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب. (۱۴۱۴ق). تاریخ یعقوبی. قم: منشورات الشریف الرضی.

62. -Bilton, Tony & others (1997). Introductory Sociology. third edition. Macmillan Press.

63. Foucault. M, (1972). The Archaeology of Knowledge. Translated by A.M. Sheridan Smith. New York: Pantheon Books.